

مقی ۱۰ از آیه ۲۲ به بعد صیغ فرمود " هر که مرا پیش مردم اقرار (اعتراف) کند من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است او را اقرار خواهم کرد اما هر که مرا پیش مردم انکار نماید من هم در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار خواهم کرد. گمان مبرید که آمده ام تا سلامتی (در این مورد صلح) بر زمین بگذارم نیامده ام تا سلامتی (صلح) بگذارم بلکه سسیر را، زیرا که آمده ام تا مرد را از پدر خود در دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم. دشمنان شخص اهل خانه او خواهند بود هر که پدر یا مادر را پیش از من دوست دارد لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاد دوست دارد لایق من نباشد. هر که جان خود را در باید آزا هلاک سازد و هر که جان خود را بخاطر من هلاک کرد آزا خواهد دریافت."

اعتراف به مسیح هر چند موضوع چندان مهمی به نظر نیاید ولی در واقع قسمت مهمی از پرستش خدا و تکلیف برجسته ریانت محسوب می شود. این آیات نیز اهمیت موضوع را می رسانند: رومیان ۱۰ آیات ۹ و ۱۰ " زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان بر خیزانید نجات خواهی یافت چونکه به دل ایمان آورده ای شود برای عدالت و به زبان اعتراف می شود به جهت نجات". همچنین در اول یوحنا ۴: ۱۵ " هر که اقرار (اعتراف) می کند که عیسی پسر خداست خدا در وی ساکن است و او در خدا". اگر پادشاهان برای حفظ جلال شان و توسعه پادشاهی و ثروت خود زیر دستان را به استفاده از اسلحه می خوانند چرا نباید مسیحیان با اعتراف به پادشاه آسمانی خود او را جلال دهند. افرادی که اعتراف به مسیح را فقط در خود نگاه داشته تا کسی نفهمد یقیناً این را بداندند که با این کار تا حدی که در قدر شان است باعث خاموش کردن سعه ایمان می شوند زیرا فکری کنند که اعتراف ایمانها به دیگران یک امر غیر ضروری است. به دلیل خوبی است که مسیح ما را شاهدان خود می خواند هر چند بد سینه اعتراف ما است که نام مسیح در جهان مفتخر و سرافرازی شود و نقطه مقابلی می شود با ادیان کاذب. چنانکه برای روشن شدن تاریکی نور باید بتابد اعتراف ما نیز به حقیقت مسیح باید در دنیای تاریک ادیان و عقاید منحرف بتابد تا حقیقت از دروغ تمیز داده شود. البته نمی توان به سادگی با یک قاعده ثابت تعیین کرد که چه وقت و چگونه و چه قدر باید مسیح را به مردم اعتراف و اعلام کنیم ولی باید موقعیت را طوری در نظر بگیریم که هیچکس از مسیحیان در انجام وظیفه اعتراف به مسیح کوتاهی نکند و یا از زیر بار این مسئولیت مهم سانه خالی نکند. همه ایمانداران در حد ایمان مساوی نیستند پس آنانی که پیشرفت بیشتری کرده اند باید در اعتراف پیشرو باشند تا باعث تشریب و تسویق دیگران بشوند زیرا در واقع هیچ چیزی بیشتر از مسیح و پیام انجیل مورد تنفر انسانها نیست. از طرف دیگر ما به منظور آمادگی برای اعتراف و شهادت به مسیح باید از ار بخواهیم که به ما حکمت و جرات عطا کند تا با هدایت او آنچه و آنظر که مناسب است به ایمانمان اعتراف کنیم. رساله یعقوب ۱: ۵ " اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد سؤال بکند از خدایکه

هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید و به او داده خواهد شد . اول بطرس ۱ : ۱۵ " پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امید می را که دارید از شما بپرسد او را جواب دهید لیکن با حلم و ترس "

کولسیان ۴ : ۵ " پس اهل خارج (غیر سیحیان) به حکمت رفتار کنید . انجیل متی ۷ : ۶ آنچه مقدس است به سگان مدهید و نه مرواریدهای خود را پیش گرازان اندازید مباد آنها را پایشان گتند و برگشته شما را بگردند " اینجای آیه اشاره به اشخاصی می کند که بطور واضح نشان می دهند که با سخت دلی از خدا متنفر بوده و مخالفت می کنند طوری که بنظر می آید بیماری آنها علاج ناپذیر است .

در ضمن باید به خاطر داشته باشیم که اعتراف ما به مسیح و رساندن مژده نجات انجیل به دیگران با مخالفت و ضدیت برخی از مردم روبرو خواهد شد . اول بطرس ۴ : ۱۲ " ای هبیبان تعجب منمائید از آن آتشی که در میان شماست و به جهت امتحان شما می آید که گویا چیزی غریب بر شما واقع شده باشد . یوحنا ۱۶ : ۱۲ مسیح به شاگردانش فرمود : " اینرا به شما گفتم تا لغزش نخورید . شما را از کنایس (محل اجتماع مذهبی یهودیان) بیرون خواهند نمود بلکه ما هم می آید که هر که شما را بکشد گمان برد که خدا را خدمت می کند . اول بطرس ۴ : ۱۶ " لکن اگر چون مسیحی عذاب بکشید پس شرمند نشوید بلکه به این اسم خدا را تمجید نماید . فیلیپیان ۱ : ۱۹ " زیرا که به شما عطا شد بخاطر مسیح نه فقط ایمان آوردن به او بلکه زحمت کشیدن هم . اعمال رسولان ۱۴ : ۲۲ " با مصیبت های بسیاری باید داخل ملکوت خدا گردیم .

مثل آنانی نیابیم که از ترس از دست دادن موقعیت و یا امتیازات دیگر مسیح را اعتراف نمی کنند . در مورد چنین اشخاصی در یوحنا ۹ : ۲۲ می خوانیم " پدر و مادر او چیزی گفتند زیرا که از یهودیان می ترسیدند از آنرو که یهودیان با خود عهد کرده بودند که هر که اعتراف کند که او (عیسی) مسیح است از کنیسه بیرونش کنند . همچنین ۱۲ : ۴۲ و ۴۳ " ... بسیاری از سرداران نیز بدو ایمان آوردند اما بسبب فرسیان اقرار نکردند که مباد از کنیسه بیرون شوند زیرا که جلال مملکت را بیشتر از جلال خدا دوست می داشتند .

شاگردان مسیح نباید بگذارند که ترس از مرگ جلوی اعتراف ایمانیشان را بگیرد که خداوند اکیداً از ما لازم می داند به این دلیل شاگردان مسیح باید با بهرات و شجاعت بوده تا همیشه برای شهید شدن در راه مسیح آماده داشته باشند . لوقا ۱۴ : ۲۶ " اگر کسی نزد من آید و پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران حتی جان خود را نیز دشمن ندارد شاگرد من نمی تواند بود (منظور نه تنفر به دل راه دادن است چون این متدگناه است بلکه تنفر از هر چه دیگران مگر عزیزانمان و نفسمان از ما می خواهد که برخلاف اراده مسیح است زیرا این جهان و نفس ما در دشمنی با خدا بسر می برد . رساله یعقوب ۴ : ۳۰ " دوستی دنیا دشمنی با خداست پس هر که می خواهد دوست دنیا باشد دشمن خدا گردد . در نتیجه ما باید دنیا و نفسمان را دشمن بدانیم تا دوست خدا شویم .

انجیل متی فصل ۱۰ قسمت دوم آیه ۳۲ می فرماید : " من نیز در حضور پدر خود که در آسمانست او را اقرار خواهم کرد . این وعده اضافه شد غیرت و شوق ما را در این مورد مشتعل سازد . مسیح در حالی که ما در دشمنی با خدا بودیم با شهادت خود به پدر خدا بردن (انجیل یوحنا ۱۰ : ۳۶) ، برای نجاتمان حاضر شد زهر صلیب را متحمل شود . پس مقدر نیست است که ما به علت

ترس از انسان جلوی شهادتشان را به پسر خدا بگیریم مخصوصاً در حالی که وعده چنینی اجر عظیمی را پادارده است. هر چند انسانها در عمق بی ایمانی به مسیح بوده و بر علیه خدا در طغیان و دشمنی بسر می برند (... این نسل زناکار و خطاکار ... مرقس ۸ = ۳۸) ، شهادتشان به مسیح که به آنها می دهیم در نظر مسیح آنقدر ارزش دارد که گویی در حضور خدا و فرشتگان به مسیح شهادت داده ایم .

آیاتی چند راجع به اعتراف

به این روح خدا را می شناسیم هر روحی که به عیسی مسیح مجسم شده (یعنی مسیح بر طبق تورات و صحف انبیاء و زبور دارد که در کتاب عیسی ناصری به خود جسم گرفت) اقرار نماید از خداست و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و اینست روح دجال که شنیده اید که آید و الان هم در جهان است . (اول یوحنا ۴ : ۳)